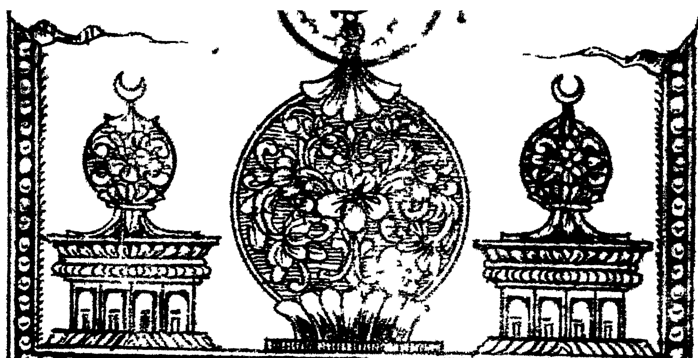
الله الذی انزل الکتاب بالحق والمیزان







المطبع مظہر العجائب مدراس سنہ ۱۲۸۹ ھجری



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسوله محمد وعلى آله واصحابه اجمعين



مقدمه

بدان اسعدك الله تعالى في الدارين كه جمله افعال متصرفهٔ عرب بر چهار گونه است ماضی و مضارع و امر و نهی اما ماضی آن فعل را گویند که بزمانهٔ گذشته تعلق دارد چون فَعَلَ یعنی کرد و مضارع فعلی را گویند که بزمان حال و استقبال علاقه دارد چون یَفْعَلُ یعنی میکند یا خواهد کرد و امر فعلی است که بدان کسی را بکاری بفرمایند چون اِفْعَلْ یعنی بکن و نهی فعلی باشد که که ازان کسی را از کاری باز میدارند چون لَا تَفْعَلْ یعنی مکن و هر یک ازین چهار فعل بر دو قسم است معروف و مجهول اما معروف فعلی است که فاعلش ظاهر باشد چون ضَرَبَ زَيْدٌ یعنی زد زید و مجهول فعلی است که فاعل آن ظاهر نباشد چون ضُرِبَ زَيْدٌ یعنی زده شد زید و نیز هر یک

از ماضی و مضارع هر دو نوع است مثبت و منفی اما مثبت فعلی بود که از فاعل صادر شده باشد
چون فَعَلَ یعنی کرد و منفی فعلی باشد که از فاعل صادر نشده باشد چون مَا فَعَلَ یعنی نکرد
باید دانست که جمیع افعال را بلفظ فَعَلَ موزون کرده میشوند پس هر حرف که بجای فَ آید
آنرا فا کلمه و هر حرف که بجای عَ آید آنرا عین کلمه و هر حرف که بجای لَ آید آنرا لام کلمه میگویند
و نیز باید دانست که فعل را فاعل می باید و فاعل بر سه قسم است غائب و حاضر و متکلم و هر یک ازین
بر دو قسم است مذکر و مؤنث و هر یک ازین دو بر سه قسم است واحد و تثنیه و جمع پس صیغهای
فعل حسب ضمیرهای فاعل فعل اند مرتب میشوند ضمایر اینست

[illegible]	تثنیه	جمع
[illegible]	هُمَا	هُمْ
[illegible]	آن دو مرد	آنهمه مردان
[illegible]	هُمَا	هُنَّ
آن یکزن	آن دو زنان	آنهمه زنان
اَنْتَ	اَنْتُمَا	اَنْتُمْ
تو یکمرد	شما دو مرد	شما همه مردان
اَنْتِ	اَنْتُمَا	اَنْتُنَّ
تو یکزن	شما دو زنان	شما همه زنان

اَنَا	نَحْنُ
من یکمرد و یا یک زن	ما دو مرد یا دو زن یا همه مردان یا همه زنان

فصل در بیان فعل ماضی

باید دانست که در فعل ماضی معروف بر فا کلمه همیشه فتحه میباشد و عین کلمه را به سه حرکت می آید و لام کلمه را در چهار صیغه فتحه میباشد و در یک صیغه ضمه و در باقی صیغها سکون میباشد

صرف فعل ماضی مثبت معروف

فَعَلَ کرد آن یک مرد در زمان گذشته	فَعَلَا کردند آن دو مرد در زمان گذشته	فَعَلُوا کردند آن همه مردان در زمان گذشته
فَعَلَتْ کرد آن یک زن در زمان گذشته	فَعَلَتَا کردند آن دو زن در زمان گذشته	فَعَلْنَ کردند آن همه زنان در زمان گذشته
فَعَلْتَ کردی تو یکمرد در زمان گذشته	فَعَلْتُمَا کردید شما دو مرد در زمان گذشته	فَعَلْتُمْ کردید شما همه مردان در زمان گذشته
فَعَلْتِ کردی تو یکزن در زمان گذشته	فَعَلْتُمَا کردید شما دو زن در زمان گذشته	فَعَلْتُنَّ کردید شما همه زنان در زمان گذشته

فَعَلْتُ — کردم من یکمرد یا یکزن در زمان گذشته

فَعَلْنَا — کردیم ما دو مردان یا دو زنان یا همه

چون فاء فعل را ضم دهی عین را کسره کنی اگر باشد ماضی مجهول گردد

صرف فعل ماضی مثبت مجهول

فُعِلَ — کرده شد آن یکمرد در زمان گذشته

فُعِلَا — کرده شدند آن دو مرد در زمان گذشته

فُعِلُوا — کرده شدند آنهمه مردان در زمان گذشته

فُعِلَتْ — کرده شد آن یکزن در زمان گذشته

فُعِلَتَا — کرده شدند آن دو زن در زمان گذشته

فُعِلْنَ — کرده شدند آنهمه زنان در زمان گذشته

فُعِلْتَ — کرده شدی تو یکمرد در زمان گذشته

فُعِلْتُمَا — کرده شدید شما دو مرد در زمان گذشته

فُعِلْتُمْ — کرده شدید شما مردان در زمان گذشته

فُعِلْتِ — کرده شدی تو یکزن در زمان گذشته

فُعِلْتُمَا — کرده شدید شما دو زن در زمان گذشته

فُعِلْتُنَّ — کرده شدید شما زنان در زمان گذشته

فُعِلْتُ — کرده شدم من یکمرد یا یکزن در زمان گذشته

فُعِلْنَا — کرده شدیم ما دو مرد یا دو زن یا همه مردان یا زنان

چون بر فعل ماضی مثبت ما یا لا آری ماضی منفی شود

صرف فعل ماضی منفی معروف

مَا فَعَلَ (نکرد آن یکمرد در زمان گذشته)	مَا فَعَلَا	مَا فَعَلُوْا
مَا فَعَلَتْ	مَا فَعَلَتَا	مَا فَعَلْنَ
مَا فَعَلْتَ	مَا فَعَلْتُمَا	مَا فَعَلْتُمْ
مَا فَعَلْتِ	مَا فَعَلْتُمَا	مَا فَعَلْتُنَّ
مَا فَعَلْتُ		مَا فَعَلْنَا

صرف فعل ماضی منفی مجہول

مَا فُعِلَ (نکرده شد آن یکمرد در زمانه گذشته)	مَا فُعِلَا	مَا فُعِلُوْا
مَا فُعِلَتْ	مَا فُعِلَتَا	مَا فُعِلْنَ

مَافَعَلْتَ	مَافَعَلْتُمَا	مَافَعَلْتُمْ
مَافَعَلْتِ	مَافَعَلْتُمَا	مَافَعَلْتُنَّ
مَافَعَلْتُ		مَافَعَلْنَا

فصل در بیان فعل مضارع

چون بر فعل ماضی علامت مضارع آری فعل مضارع شود و علامت مضارع چهار حرف است ا ت ی ن که مجموعے وے اتین است فا کلمہ ساکن میشود و عین کلمہ را هر سه حرکت می آید و لام کلمہ در چهار صیغه مرفوع باشد و در آخر پنج صیغه نون اعرابی مے آید

و علامت مضارع در معروف مفتوح میباشد

یفعلان تفعلان یفعلین تفعلون تفعلین ۱۲

صرف فعل مضارع مثبت معروف

يَفْعَلُ	يَفْعَلَانِ	يَفْعَلُوْنَ
تَفْعَلُ	تَفْعَلَانِ	يَفْعَلْنَ

تَفْعَلُ میکنی یا خواهی کرد تو یکمرد در زمان حال	تَفْعَلَانِ میکنید یا خواهید کرد شما دو مرد	تَفْعَلُونَ میکنید یا خواهید کرد شما همه مردان
تَفْعَلِينَ میکنی یا خواهی کرد تو یکزن در زمان	تَفْعَلَانِ میکنید یا خواهید کرد شما دو زن	تَفْعَلْنَ میکنید یا خواهید کرد شما همه زنان
أَفْعَلُ میکنم یا خواهم کرد من یکمرد یا یکزن		نَفْعَلُ میکنیم یا خواهیم کرد ما دو مرد یا دو زن

چون علامت مضارع را ضمه دهی و عین کلمه را فتحه کنی اگر فتحه نباشد مضارع مجهول گردد

صرف فعل مضارع مثبت مجهول

يُفْعَلُ کرده میشود یا کرده خواهد شد آن یکمرد در زمان حال	يُفْعَلَانِ کرده میشوند یا کرده خواهند شد آن دو مرد	يُفْعَلُونَ کرده میشوند یا کرده خواهند شد آن همه مردان
تُفْعَلُ کرده میشود یا کرده خواهد شد آن یکزن	تُفْعَلَانِ کرده میشوند یا کرده خواهند شد آن دو زن	يُفْعَلْنَ کرده میشوند یا کرده خواهند شد آن همه زنان
تُفْعَلُ کرده میشوی یا کرده خواهی شد تو یکمرد در زمان	تُفْعَلَانِ کرده میشوید یا کرده خواهید شد شما دو	تُفْعَلُونَ کرده میشوید یا کرده خواهید شد شما همه مردان
تُفْعَلِينَ کرده میشوی یا کرده خواهی شد تو یکزن در زمان	تُفْعَلَانِ کرده میشوید یا کرده خواهید شد شما دو	تُفْعَلْنَ کرده میشوید یا کرده خواهید شد شما همه زنان

أُفْعَلُ کرده میشوم یا کرده خواهم شد	نُفْعَلُ کرده میشویم یا کرده خواهیم شد ما دو مرد یا دو زن

چون بر مضارع مثبت حرف لا یا ما آری مضارع منفی شود

صرف فعل مضارع منفی معروف

لَا یَفْعَلُ نمیکند یا نخواهد کرد آن یک مرد	لَا یَفْعَلَانِ	لَا یَفْعَلُوْنَ
لَا تَفْعَلُ	لَا تَفْعَلَانِ	لَا یَفْعَلْنَ
لَا تَفْعَلُ	لَا تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلُوْنَ
لَا تَفْعَلِیْنَ	لَا تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلْنَ
لَا أَفْعَلُ		لَا نَفْعَلُ

صرف فعل مضارع منفی مجهول

لَا یَفْعَلُ	لَا یَفْعَلَانِ	لَا یَفْعَلُونَ
لَا تَفْعَلُ	لَا تَفْعَلَانِ	لَا یَفْعَلْنَ
لَا تَفْعَلُ	لَا تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلُونَ
لَا تَفْعَلِینَ	لَا تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلْنَ
لَا أَفْعَلُ		لَا نَفْعَلُ

چون حرف لن بر مضارع آری منفی موکد بلن شود ولن آخر چهار صیغه مذکور را نصب کند واز آخر پنج صیغه نون اعرابی را بیندازد ومضارع مثبت را منفی مستقبل نماید یعنی در آن معنی حال نمی ماند

صرف مضارع منفی موکد بلن

لَنْ یَفْعَلَ	لَنْ یَفْعَلَا	لَنْ یَفْعَلُوا

لَنْ تَفْعَلَ	لَنْ تَفْعَلَا	لَنْ يَفْعَلْنَ
لَنْ تَفْعَلَ	لَنْ تَفْعَلَا	لَنْ تَفْعَلُوا
لَنْ تَفْعَلِي	لَنْ تَفْعَلَا	لَنْ تَفْعَلْنَ
لَنْ أَفْعَلَ		لَنْ نَفْعَلَ

صرف فعل مضارع مجہول منفی موکد بلن

لَنْ يُفْعَلَ	لَنْ يُفْعَلَا	لَنْ يُفْعَلُوا
لَنْ تُفْعَلَ	لَنْ تُفْعَلَا	لَنْ يُفْعَلْنَ
لَنْ تُفْعَلَ	لَنْ تُفْعَلَا	لَنْ تُفْعَلُوا

لَنْ تُفْعَلِي	لَنْ تُفْعَلَا	لَنْ تُفْعَلْنَ
لَنْ أُفْعَلَ		لَنْ نُفْعَلَ

چون لم بر مضارع آید او را منفی جحد بلم گردانند و لم در آخر چهار صیغهٔ مذکور جزم میکند اگر حرف علت نباشد و اگر باشد بیفکند و حرف علت ساکنه اندازد و الف و یا و واو از پنج صیغه نون اعرابی بیندازد و معنی مضارع منفی را بمعنی ماضی منفی میکند

صرف فعل مضارع معروف منفی جحد بلم

لَمْ يَفْعَلْ	لَمْ يَفْعَلَا	لَمْ يَفْعَلُوا
لَمْ تَفْعَلْ	لَمْ تَفْعَلَا	لَمْ يَفْعَلْنَ
لَمْ تَفْعَلْ	لَمْ تَفْعَلَا	لَمْ تَفْعَلُوا
لَمْ تَفْعَلِي	لَمْ تَفْعَلَا	لَمْ تَفْعَلْنَ

کرد آن یکمرد در زمان گذشته

لَمْ اَفْعَلْ	لَمْ نَفْعَلْ

صرف فعل مضارع مجهول منفی جحد بلم

لَمْ يُفْعَلْ	لَمْ يُفْعَلَا	لَمْ يُفْعَلُوا
لَمْ تُفْعَلْ	لَمْ تُفْعَلَا	لَمْ يُفْعَلْنَ
لَمْ تُفْعَلْ	لَمْ تُفْعَلَا	لَمْ تُفْعَلُوا
لَمْ تُفْعَلِي	لَمْ تُفْعَلَا	لَمْ تُفْعَلْنَ
لَمْ اُفْعَلْ		لَمْ نُفْعَلْ

[تکرار شد تمییز صیغهٔ واحد]

چون لام تاکید در اول مضارع و نون تاکید در آخر آن درآری مضارع موکد میشود و لام تاکید مفتوح میباشد و نون تاکید دو قسم است ثقیله و خفیفه ثقیله که مشدده است لام کلمه را در چهار صیغهٔ مذکور نصب میکند و در صیغهای تثنیه و واحد مونث حاضر نون اعرابی را ساقط گرداند

و واو جمع مذکر انداخته ما قبلش ضمه میدهد و یائی واحد مونث حاضر انداخته ما قبلش کسره میکند و
در میان نون تاکید و نون جمع مونث غائب و حاضر الف فاصل میارد و نون بر مفتوح میباشد و اگر بعد از
الف تثنیه یا الف فاصل آید مکسور میباشد و مضارع را مخصوص باستقبال کرداند

صرف فعل مضارع مثبت معروف موکد بلام تاکید و نون ثقیله

لَيَفْعَلَنَّ	لَيَفْعَلَانِّ	لَيَفْعَلُنَّ
لَتَفْعَلَنَّ	لَتَفْعَلَانِّ	لَيَفْعَلْنَانِّ
لَتَفْعَلَنَّ	لَتَفْعَلَانِّ	لَتَفْعَلُنَّ
لَتَفْعَلِنَّ	لَتَفْعَلَانِّ	لَتَفْعَلْنَانِّ
لَأَفْعَلَنَّ		لَنَفْعَلَنَّ

صرف فعل مضارع مثبت مجهول موکد بلام تاکید و نون ثقیله

لَيَفْعَلُنَّ هر آینه هر آینه کرده خواهد آن یک مرد	لَيَفْعَلَانِّ	لَيَفْعَلُنَّ
لَتَفْعَلَنَّ	لَتَفْعَلَانِّ	لَيَفْعَلْنَانِّ
لَتَفْعَلَنَّ	لَتَفْعَلَانِّ	لَتَفْعَلُنَّ
لَتَفْعَلِنَّ	لَتَفْعَلَانِّ	لَتَفْعَلْنَانِّ
لَأَفْعَلَنَّ		لَنَفْعَلَنَّ

نون خفیفه که ساکن میباشد حکم نون ثقیله دارد و در پنج صیغه تثنیه مذکر و مؤنث و جمع مؤنث لاحق نشود

صرف فعل مضارع مثبت معروف و مؤکد بلام تاکید و نون خفیفه

لَيَفْعَلَنْ هر آینه هر آینه خواهد کرد آن یک مرد در زمانهٔ استقبال	"	لَيَفْعَلُنْ
لَتَفْعَلَنْ	"	

لَتَفْعَلَنْ	〃	لَتَفْعَلُنْ
لَتَفْعَلِنْ	〃	〃
لَأَفْعَلَنْ		لَنَفْعَلَنْ

صرف فعل مضارع مثبت مجہول بلام تاکید ونون خفیفہ

لَيُفْعَلَنْ	〃	لَيُفْعَلُنْ
لَتُفْعَلَنْ	〃	
لَتُفْعَلَنْ	〃	لَتُفْعَلُنْ
لَتُفْعَلِنْ	•	〃
لَأُفْعَلَنْ		لَنُفْعَلَنْ

فصل در بیان امر

چون خواهی که امر بنا کنی برای غائب و متکلم معروف لام الامر که مکسور میباشد بر مضارع در آری لیکن برای امر حاضر معروف لام امر نیاری بلکه علامت مضارع را بیفکنی و بجای آن همزهٔ وصل بیاری پس اگر عین کلمه مضموم بود همزه نیز مضموم بود چون اُنْصُرْ از تَنْصُرُ و اگر آن مفتوح یا مکسور باشد همزه مکسور باشد چون اِفْتَحْ از تَفْتَحُ و اِضْرِبْ از تَضْرِبُ و اگر بعد حذف علامت مضارع فاء کلمه متحرک بود حاجت همزه نیست چون عِدْ از تَعِدُ و در امر لام کلمه در چهار صیغه یعنی دو صیغه واحد غائب مذکر و مؤنث و دو صیغه متکلم مجزوم شود و اگر در آخرش حرف علت باشد بیفتد و نون اعرابی حذف کرده شود و در مجهول همه صیغها لام امر می آید

صرف امر غائب معروف

لِيَفْعَلْ کو که بکند آن یک مرد	لِيَفْعَلَا کو که بکنند آن دو مرد صیغه تثنیه مذکر غائب	لِيَفْعَلُوا کو که بکنند آنهمه مردان صیغه
لِتَفْعَلْ کو که بکند آن یک زن صیغه	لِتَفْعَلَا کو که بکنند آن دو زن صیغه تثنیه	لِيَفْعَلْنَ کو که بکنند آنهمه زنان صیغه

صرف امر حاضر معروف

اِفْعَلْ بکن تو یک مرد	اِفْعَلَا بکنید شما دو مرد صیغه تثنیه مذکر	اِفْعَلُوا بکنید شما همه مردان صیغه

اِفْعَلِي بکنی تو یک زن	اِفْعَلَا بکنید شما دو	اِفْعَلْنَ بکنید شما همه زنان

صرف امر متکلم معروف

لِأَفْعَلْ بکنم من یک مرد	لِنَفْعَلْ بکنیم ما دو مرد یا دو زن

صرف فعل امر مجهول

لِيُفْعَلْ کرده شود آن یک مرد صیغه	لِيُفْعَلَا کرده شوند آن دو مرد	لِيُفْعَلُوا کرده شوند آن همه مردان
لِتُفْعَلْ کرده شود آن یک زن صیغه	لِتُفْعَلَا کرده شوند آن دو زن	لِيُفْعَلْنَ کرده شوند آن همه زنان
لِتُفْعَلْ کرده شوی تو یک مرد صیغه	لِتُفْعَلَا کرده شوید شما دو مرد صیغه	لِتُفْعَلُوا کرده شوید شما همه مردان
لِتُفْعَلِي کرده شوی تو یک زن صیغه	لِتُفْعَلَا کرده شوید شما دو زن صیغه	لِتُفْعَلْنَ کرده شوید شما همه زنان صیغه
لِأُفْعَلْ کرده شوم من یک مرد یا یک زن		لِنُفْعَلْ کرده شویم ما دو مرد یا دو زن یا

و در امر معروف و مجهول هر دو نون ثقیله و خفیفه نیز آید و در احکام همه مثل صیغه‌های مضارع باشد

صرف امر غائب معروف موکد با نون ثقیله

لِيَفْعَلَنَّ هر آینه گو که بکند آن یک مرد غایب	لِيَفْعَلَانِّ	لِيَفْعَلُنَّ
لِتَفْعَلَنَّ	لِتَفْعَلَانِّ	لِيَفْعَلْنَانِّ

امر حاضر معروف موکد با نون ثقیله

اِفْعَلَنَّ هر آینه بکن تو یک مرد حاضر	اِفْعَلَانِّ	اِفْعَلُنَّ
اِفْعَلِنَّ	اِفْعَلَانِّ	اِفْعَلْنَانِّ

امر متکلم معروف موکد با نون ثقیله

لَأَفْعَلَنَّ هر آینه گو که بکنم من یک مرد یا یک زن	لِنَفْعَلَنَّ هر آینه گو که بکنیم ما دو مرد یا دو زن یا ...

صرف امر مجهول با نون ثقیله

لَيُفْعَلَنَّ هر آینه کرده شود آن یک مرد	لَيُفْعَلَانِّ	لَيُفْعَلُنَّ
لَتُفْعَلَنَّ	لَتُفْعَلَانِّ	لَيُفْعَلْنَانِّ
لَتُفْعَلَنَّ هر آینه کرده شوی تو یک مرد	لَتُفْعَلَانِّ	لَتُفْعَلُنَّ
لَتُفْعَلِنَّ	لَتُفْعَلَانِّ	لَتُفْعَلْنَانِّ
لَأُفْعَلَنَّ هر آینه کرده شوم من یک مرد یا یک زن		لَنُفْعَلَنَّ هر آینه کرده شویم ما دو مرد یا دو زن

صرف امر غائب معروف با نون خفیفه

لَيَفْعَلَنْ هر آینه کند آن یک مرد صیغه (?)	"	لَيَفْعَلُنْ
لَتَفْعَلَنْ	"	"

امر حاضر معروف با نون خفیفه

اِفْعَلَنْ هر آینه بکن تو یکمرد صیغه واحد مذکر	〃	اِفْعَلُنْ
اِفْعَلِنْ	〃	〃
	امر متکلم معروف بانون خفیفه	
لَاَفْعَلَنْ هر آینه گو که بکنم من یکمرد یا یکزن		لِنَفْعَلَنْ هر آینه گو که بکنیم ما دو مرد یا دو زن
	صرف امر مجهول بانون خفیفه	
لِيُفْعَلَنْ هر آینه گو کرده شود آن یکمرد صیغه	〃	لِيُفْعَلُنْ
لِتُفْعَلَنْ	〃	〃
لِتُفْعَلَنْ هر آینه کرده شو تو یکمرد صیغه واحد	〃	لِتُفْعَلُنْ
لِتُفْعَلِنْ	〃	〃

لَا تَفْعَلْنَ	لِنَفْعَلْنَ
[illegible]	[illegible]

فصل در بیان نہی

اگر خواہی نہی بنا کنی لاء نہی بر مضارع در آر لاء نہی چون بر مضارع در آید در آخر چہار صیغہ جزم میکند اگر حرف علت باشد بیفگند و از پنج صیغہ نون اعرابی ساقط گرداند و معنی آن را بمعنی نہی گرداند و نون ثقیلہ و خفیفہ در آخر نہی آوردن نیز روا است

صرف نہی معروف

لَا يَفْعَلْ گو کہ نکند آن یک مرد صیغہ	لَا يَفْعَلَا گو کہ نکنند آن دو مرد	لَا يَفْعَلُوا گو کہ نکنند آنہمہ مردان صیغہ
لَا تَفْعَلْ گو کہ نکند آن یک زن صیغہ	لَا تَفْعَلَا گو کہ نکنند آن دو زن صیغہ	لَا يَفْعَلْنَ گو کہ نکنند آنہمہ زنان صیغہ
لَا تَفْعَلْ مکن تو یک مرد صیغہ واحد	لَا تَفْعَلَا مکنید شما دو مرد صیغہ	لَا تَفْعَلُوا مکنید شما ہمہ مردان صیغہ
لَا تَفْعَلِي مکن تو یک زن صیغہ واحد	لَا تَفْعَلَا مکنید شما دو زنان	لَا تَفْعَلْنَ مکنید شما ہمہ زنان صیغہ جمع

لا أُفعَلْ نکرده نشوم من یکمرد یا یکزن صیغه واحد مذکر یا مؤنث متکلم	لا نُفعَلْ نکرده نشویم ما دو مرد یا دو زن یا همه مردان یا همه زنان صیغه

صرف نهی مجهول

لا یُفعَلْ نکرده نشود آن یک	لا یُفعَلا نکرده نشوند آن دو مرد	لا یُفعَلوا نکرده نشوند آن همه مردان صیغه
لا تُفعَلْ نکرده نشود آن یک زن صیغه	لا تُفعَلا نکرده نشوند آن دو زن	لا یُفعَلْنَ نکرده نشوند آن همه زنان صیغه
لا تُفعَلْ کرده مشو تو یک مرد صیغه	لا تُفعَلا کرده مشوید شما دو مرد	لا تُفعَلوا کرده مشوید شما همه مردان صیغه
لا تُفعَلی کرده مشو تو یک زن	لا تُفعَلا کرده مشوید شما دو زن	لا تُفعَلْنَ کرده مشوید شما همه زنان صیغه
لا أُفعَلْ نکرده نشوم من یکمرد یا یکزن		لا نُفعَلْ نکرده نشویم ما دو مرد یا دو زن یا همه

نهی معروف با نون ثقیله

لا یَفعَلَنَّ هرگز نکند آن یک مرد	لا یَفعَلانِّ	لا یَفعَلُنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ	لَا تَفْعَلَانِّ	لَا يَفْعَلْنَانِّ
لَا تَفْعَلَنَّ	لَا تَفْعَلَانِّ	لَا تَفْعَلُنَّ
لَا تَفْعَلِنَّ	لَا تَفْعَلَانِّ	لَا تَفْعَلْنَانِّ
لَا أَفْعَلَنَّ		لَا نَفْعَلَنَّ

نہی مجہول مؤکد بالنون الثقیلہ

لَا يُفْعَلَنَّ	لَا يُفْعَلَانِّ	لَا يُفْعَلُنَّ
لَا تُفْعَلَنَّ	لَا تُفْعَلَانِّ	لَا يُفْعَلْنَانِّ
لَا تُفْعَلَنَّ	لَا تُفْعَلَانِّ	لَا تُفْعَلُنَّ
لَا تُفْعَلِنَّ	لَا تُفْعَلَانِّ	لَا تُفْعَلْنَانِّ

هر آینہ مکن تو یکمرد صیغہ

هر آینہ کردہ نشود آن یکمرد

هر آینہ کردہ مشو تو یکمرد صیغہ

لَا افْعَلَنَّ	لَا نَفْعَلَنَّ
هر آینه گو که کرده نشوم من یک مرد یا یک زن	هر آینه گو که کرده نشویم ما دو مرد یا دو زن یا همه

نهی معروف با نون خفیفه

لَا يَفْعَلَنْ	"	لَا يَفْعَلَنْ
هر آینه گو که نکند آن یک مرد صیغه		
لَا تَفْعَلَنْ	"	"
لَا تَفْعَلَنْ	"	لَا تَفْعَلَنْ
هر آینه مکن تو یک صیغه		
لَا تَفْعَلِنْ	"	"
لَا افْعَلَنْ		لَا نَفْعَلَنْ
هر آینه گو که نکنم من یک مرد یا یک زن		هر آینه گو که نکنیم ما دو مرد یا دو زن یا همه

نهی مجهول با نون خفیفه

لَا يُفْعَلَنْ	"	لَا يُفْعَلَنْ
هر آینه گو که کرده نشود آن یک مرد صیغه واحد		

لَا تُفْعَلَنْ " "

لَا تُفْعَلَنْ " لَا تُفْعَلَنْ

هر آینه کرده مشو تو یکمرد صیغه واحد

لَا تُفْعَلِنْ " "

لَا اُفْعَلَنْ هر آینه کرده نشوم من یکمرد

لَا نُفْعَلَنْ هر آینه کرده نشویم ما دو مرد یا دو زن

فصل در بیان اسما

اسم فاعل کننده فعل را میگویند و وزن او فاعل است و اسم مفعول چیز کرده شده را می نامند و وزنش مفعول است اسم ظرف جایگاه یا وقت کار کردن را میخوانند و وزن او مفعل و مفعل آید و اسم آله واسطه فعل را گویند که بدان کار کنند و برای مونث در آخر این اسما تا زیاده میکنند و اسم تفضیل زیاده کننده کار را میخوانند و وزنش افعل است و برای مونث فعلی

صرف اسم فاعل

فَاعِلٌ فَاعِلَانِ فَاعِلُونَ فَوَاعِلُ

کننده او یا تو یا من یکمرد صیغه واحد

فاعلةٌ	فاعلتانِ	فاعلاتٌ
کنندهٔ زن صیغهٔ واحد مؤنث غائب یا حاضر	یا ما صیغهٔ تثنیه مؤنث غائب یا حاضر	یا ما صیغهٔ جمع غائب یا حاضر یا متکلم

صرف اسم مفعول

مفعولٌ	مفعولانِ	مفعولونَ
یا من یکمرد صیغهٔ واحد مذکر غائب	یا ما دو مرد صیغهٔ تثنیه مذکر غائب	یا ما همه مردان صیغهٔ جمع مذکر غائب
مفعولةٌ	مفعولتانِ	مفعولاتٌ مفاعیلُ
کرده شده او یا تو یا من یکزن	کرده شدگان اوشان یا شما	کرده شدگان اوشان یا شما یا ما

صرف اسم ظرف

مَفعَلٌ	مَفعَلانِ	مَفاعِلُ
یک جای یا زمان کار کردن صیغهٔ	دو جای یا زمان کار کردن صیغهٔ	جاهای یا زمانهای کار کردن صیغهٔ
مَفعَلةٌ	مَفعَلتانِ	مَفاعِلُ
یک جای یا زمان کار کردن صیغهٔ واحد مؤنث	دو جای یا زمان کار کردن صیغهٔ تثنیه	جاهای یا زمانهای کار کردن صیغهٔ جمع

اسم آله

مِفعَلٌ	مِفعَلانِ	مفاعل
یک آله کار کردن صیغهٔ واحد مذکر اسم آله	دو آله کار کردن صیغهٔ تثنیه مذکر اسم آله	آلهای کار کردن صیغهٔ جمع اسم آله
مِفعَلةٌ	مِفعَلتانِ	مفاعل
یک آله کار کردن صیغهٔ واحد مؤنث اسم آله	دو آله کار کردن صیغهٔ تثنیه مؤنث اسم آله	آلهای کار کردن صیغهٔ جمع مؤنث اسم آله

مِفْعَالٌ	مِفْعَالَانِ	مَفَاعِيلُ
یک آلہ کار کردن صیغہ واحد اسم آلہ	دو آلہ کار کردن صیغہ تثنیہ اسم آلہ	آلہائی کردن صیغہ جمع اسم آلہ

صرف اسم تفضیل

اَفْعَل	افعلان	افعلون	وافاعل
بسیار کنندہ یکمرد صیغہ واحد مذکر	بسیار کنندگان دو مرد	بسیار کنندگان ہمہ مردان صیغہ جمع مذکر اسم تفضیل	
فعلی	فعلیان	فعلیات	وفعل
بسیار کنندہ یکزن صیغہ واحد مؤنث	بسیار کنندگان دو زن صیغہ تثنیہ	بسیار کنندگان ہمہ زنان صیغہ جمع مؤنث اسم تفضیل	

تمت المیزان

سنہ ۱۲۸۹

کتبہ محمد عبدالعزیز

